

Urban semiology and its role in explaining the urban identity of Tehran during the Qajar era

Zahra Alizadehbirjandi*

Mohaddeseh Ziya**

Abstract

Cities, like humans, have independent and different identities. Urban identity includes the characteristics that distinguish a city from other cities. The issue of urban identity plays a key role not only in identifying cities but also in the process of identifying citizens and strengthening urban culture. The identity bases of cities have been formed under the influence of natural, artificial, human and historical events. These elements play an important role as meaningful signs in reading the meanings hidden in the physical space of the city and understanding the differences and continuity of cities. The purpose of this article is to analyze the explanatory signs of urban identity in Tehran during the Qajar period and how they function. The method of this research is historical-interpretive and based on the approach of urban semiology. In this approach, the existence of signs and meanings of physical elements for reading the environment and understanding the identity-building components of Tehran in the Qajar era has been investigated. The findings of this study indicate that symbolic symbols, due to their historical, cultural and mythological origins, have a greater explanatory capacity in representing the identity components of Tehran in the Qajar era. In the process of semiotics of Tehran urban spaces in this period, some inconsistencies of signification and function can be understood only through historical significations.

Keywords: Urban Semiology, Urban Identity, Urban spaces , Tehran, Qajar.

*Faculty member of Birjand University History Department (Corresponding Author),
zalizadehbirjandi@gmail.com

** Master student in the history of Islamic Iran, mohadesehzia3@gmail.com

Date received: 12/11/2024, Date of acceptance: 20/01/2025





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نشانه شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری تهران عصر قاجاریه

زهره علیزاده بیرجندی*

محدثه ضیاء**

چکیده

شهرها همانند آحاد انسانی از هویتی مستقل و متفاوت برخوردارند. هویت شهری دربردارنده ویژگی هایی است که سبب تمایز یک شهر از سایر شهرها می گردد. مقوله هویت شهری نه تنها در شناخت شهرها بلکه در روند هویت یابی شهروندان و تقویت فرهنگ شهری نقش اساسی ایفا می کند. شالوده های هویتی شهرها تحت تاثیر عوامل طبیعی، مصنوعی، انسانی و رویدادهای تاریخی شکل گرفته اند. این عناصر به عنوان نشانه های معنادار در خوانش معانی نهفته در فضای کالبدی شهر و درک وجوه تمایز و تداوم شهرها نقش بسزایی دارند. هدف مقاله حاضر تحلیل نشانه های تبیین گر هویت شهری تهران عصر قاجاریه و نحوه عملکرد آنهاست. روش این پژوهش تاریخی - تفسیری و مبتنی بر رویکرد نشانه شناسی شهری است. در این رویکرد حضور نشانه ها و معانی عناصر کالبدی جهت خوانش محیط و درک مولفه های هویت ساز شهر تهران در عصر قاجاریه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های حاصل از این پژوهش حاکی از آنست که نشانه های نمادین به دلیل دلالت های تاریخی، فرهنگی و خاستگاه های اسطوره ای آن از ظرفیت تبیین گری بیشتری در بازنمایی مولفه های هویتی تهران عصر قاجاریه برخوردارند. در روند خوانش نشانه شناختی فضاهای شهری تهران در این دوره برخی از ناسازه های دلالت و کارکرد صرفا از طریق دلالت های تاریخی قابل درک است.

کلیدواژه ها: نشانه شناسی شهری، هویت شهری، فضاهای شهری، تهران، قاجاریه.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)، zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه بیرجند، mohadesehzia3@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴



۱. مقدمه

فضاهای شهری و عناصر مقوم آن به عنوان یک فرایند دلالتی واجد معانی گوناگون است. در این میان نشانه شناسی در پدیداری معنایی فضاهای شهری نقش بسزایی دارد. در تبیین نشانه شناسی فضاهای شهری مواردی چون فعالیت های کارکردی، بافت فرهنگی، عناصر هویتی و ایدئولوژیکی و نشانه های نمادین آنها حائز اهمیتند. نشانه شناسی معماری شاخه ای از نشانه شناسی فضا به شمار می آید فضا را باتوجه به روابط اجتماعی و فرهنگی و به عنوان یک متن برساخته انسان مورد خوانش قرار میدهد (فروغمند اعرابی، ۱۳۹۵: ۲۱۰). در این خوانش معانی نهفته فرهنگی سیاسی، ایدئولوژی و... بر مخاطب آشکار می گردد باتوجه به اهمیت و جایگاه نشانه شناسی شهری در درک معانی نهفته در فضاها و شناخت پیشینه های فرهنگی و هویتی فضاهای شهری، مقاله پیش رو با اتکاء به رویکرد نشانه شناسی شهری می کوشد به بازنمایی هویت شهری تهران در دوره قاجارپردازد. در بررسی روند تحولات فضای شهری دوره قاجاریه می توان سه دوره را مد نظر قرار داد دوره اول صدر قاجاران که شامل دوره آغا محمد خان قاجار و دوره فتحعلی شاه است. دوره کوتاه سلطنت آغا محمد خان بیشتر در تحکیم پایه های حکومت قاجاران سپری شد از این رو فرصت چندانی برای ساخت و ساز فضاهای شهری پدید نیامد اما جانشین او فتحعلی شاه در این زمینه اقداماتی را در احداث بناهای شهری (به ویژه ابنیه مذهبی) به انجام رساند. دوره دوم قاجاریه (۱۲۵۰-۱۳۱۳ ه.ق) تغییرات اساسی از نظر کمی و سبک معماری در فضاهای شهری رخ نمود. سفرهای شاه به فرنگ نیز در پدیدار شدن سبکی تلفیقی در معماری که آمیخته ای از سنت های پیشین و معماری نئوکلاسیک غربی بود موثر افتاد. دوره سوم همچنان روند تاثیر پذیری از معماری اروپایی و مدرنسازی بناها تداوم یافت اما در قیاس با دوره ناصری روند این تحولات به کندی پیش می رفت. در نوشتار حاضر تلاش شده تا با در نظر داشتن ادوار فوق چشم اندازی از وضعیت فضاهای شهری تهران عصر قاجاریه ارائه گردد. در این راستا پرسش های ذیل مد نظر قرار گرفته است:

- شاخص ترین نشانه های تبیین گر هویت شهری تهران عصر قاجاریه کدامند؟
- رویکرد نشانه شناسی در تحلیل فضاهای شهری تهران عصر قاجاریه چه جایگاهی دارد؟

نشانه شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۴۳

مفروض نوشتار حاضر این است که عناصر شهری تهران عصر قاجاریه جدا از کارکرد خود بر معانی فراتر دلالت دارند و این معانی در فرایند معنا بخشی به هویت تهران عصر قاجاریه نقشی بسزا دارند.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشانگر انجام مطالعاتی در این زمینه است؛ برای نمونه میرغلامی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «نشانه شناسی شهری و نقش آن در خوانایی محیط، مطالعه موردی: محله نازی آباد تهران»، ارتباط معنایی و نشانه های شهری را با تصویر ذهنی شهروندان از محیط زندگی خود بررسی و چگونگی برقراری ارتباط مابین مردم و محیط را مورد بررسی قرار داده اند (میرغلامی؛ شهانقی و رباطی، ۱۳۹۲: ۳۲). وجه تمایز مقاله حاضر با مقاله فوق در رویکرد تاریخی، مقطع زمانی، اهداف و همچنین گستردگی و عدم انحصار آن به محله ای خاص است.

صارمی و رشنو (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «نشانه های شهر نماد فرهنگ و هویت جمعی با تاکید بر تعاریف لینچ» ضمن انجام یک مطالعه موردی درباره میدان توپخانه تهران تاثیر نشانه ها و معانی عناصر محیطی بر اقشار مختلف ساکنان این منطقه مورد بررسی قرار داده و در یافته های خویش از کاربرد عملکردی عناصر نظریه لینچ در خوانایی محیط و همچنین نقش تجربه، فرهنگ و گذشته تاریخی سخن گفته اند (صارمی و رشنو: ۱).

یوسفی و صادقی نژاد (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «مرور انتقادی نظریه سیمای شر لینچ: نشانه شناسی نقشه های ادارکی شهروندان و بازشناسی هویت کالبدی شهر» تلاش کرده اند تا از طریق نشانه شناسی نقشه های ادراک شهروندان هویت کالبدی شهر را مورد بازشناسی قرار دهند. در واقع هدف این پژوهش بیشتر ناظر به تنظیم یه چهارچوب مفهومی از نظریات نشانه شناسی شهری و اجتماعی برای بازشناسی هویت کالبدی شهر بوده است (یوسفی و صادقی نژاد، ۱۳۹۶: ۴۸-۴۹).

مقالات متعددی نیز در مورد شهر تهران در دوره قاجاریه نگاشته شده که از آن میان می توان به مقاله «تاثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر تهران در اواخر دوره قاجار» اشاره کرد. یافته های این مقاله بر تاثیر اندیشه تجدد در تحولات ساختار فضائی تهران استوار است (ریاضی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). حسین علی بیگی (۱۳۹۲) با عنوان مقاله «بررسی مولفه های مهم توسعه شهر تهران در عصر قاجار (نمونه بلدیة تهران)» با انجام یک مطالعه موردی به بررسی سیر تحولات بلدیة

تهران و نقش آن در توسعه شهر تهران پرداخته است. امینی؛ مطلبی و دباغچی (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «بازشناسی معماری معاصر ایران بر مبنای ابعاد زیبایی شناسی بناهای تاریخی قاجاریه (نمونه موردی: تزئینات کاخ های سلطنتی اواخر قاجار در پایتخت)» به بررسی جایگاه تزئینات در معماری کاخ های سلطنتی پایتخت در دوره قاجار پرداخته اند و نشان داده اند که سبک تزئین کاخ های این دوره تلفیقی از سبک سستی و مدرن است (امینی ، مطلبی و دباغچی ، ۱۳۹۹: ۱۲۸). اما هیچ یک از این مقالات با رویکرد نشانه شناسی شهری به بررسی تهران در دوره قاجار نپرداخته اند.

۳. مبانی نظری

علم نشانه شناسی به چگونگی شکل گیری معنا و چگونگی بازنمود واقعیت می پردازد . نشانه که موضوعی فیزیکی و معنادار است از ترکیب دال و مدلول شکل می گیرد و از نظر سوسور بین دال و مدلول رابطه ای طبیعی یا ضروری برقرار نیست بلکه رابطه میان آنها از طریق قرار داد ، قاعده و یا توافقی برقرار می شود که مورد پذیرش جامعه است(فروغمند اعرابی ، ۱۳۹۵: ۲۱۶).

نشانه شناسی شهری در سه ساحت فعالیت دارد :

۱. جنبه زبان شناسی : مطالعه مجرد بر روی نشانه ها ؛

۲. جنبه معنا شناسی : مطالعه بر روی روابط بین نشانه ها و مصادیق خارجی آنها ؛

۳. جنبه متن شناسی (تاویل متن): مطالعه بر روی روابط مخاطب با یک ساختار نشانه شناسی . با توجه به آنچه گفته شد نشانه شناسی در سه گستره فوق و بر روی تمامی نظام های دلالت گر (زبان کلامی ، ایما و اشاره ، تصاویر بصری ، صداها ، موسیقایی ، فرم های معماری و...) به بررسی و خوانش محصولات هر یک می پردازد(فروغمند اعرابی : ۲۱۲).

نشانه شناسی علمی است که هدف خود را شناخت و تحلیل نشانه ها و نماد ها چه آنها که به صورت زبان گفتاری یا نوشتاری در آمده اند و چه آنهایی که صورت های غیر زبانی دارند اعم از نشانه های فیزیولوژیک ، نظام های معنایی ، نظام های ارزشی و حتی همه ی اشکال حرکتی و.. اعلام می کند (فکوهی : ۲۹۹).

نشانه شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۴۵

نشانه شناسی شهری را می توان مطالعه ای بر نشانه ها و نماد ها تعریف کرد که یا به شهر تعلق دارند و یا به صورتی مستقیم با شهر در ارتباط اند . استفاده از نشانه شناسی در برنامه ریزی شهری و اجتماعی می تواند با اهداف کاربردی انجام بگیرد . نشانه شناسی شهری بر مضامینی چون شناخت تحول تاریخی شهر از خلال تحول نشانه های انسان شناختی ، شناخت ساختار نشانه ها در رفتار های شهری در چهارچوب بین فرهنگی و تفکیک نشانه های سنتی ، محلی از نشانه های بین فرهنگی مشترک تاکید می کند (فکوهی : ۳۰۲-۳۰۵) ..

نشانه شناسی شهری به بررسی و مطالعه نشانه ها شهری، کارکرد و روابط آنها با کلیت شهر و با سایر نشانه ها اختصاص دارد . نشانه شناسی شهری در روند بارگذاری معنایی بر پدیده های شهری از فرایند تفاوت یابی استفاده می کند . تفاوت عامل موثری در تشخیص و هویت یابی عناصر شهری است.

بررسی نشانه شناسی شهری این معنا را به ذهن متبادر می سازد که شهر یک گفتمان است و این گفتمان بیش از هر چیز یک زبان تمام عیار است و کسی که در شهر می گردد و از فضای شهری بهره می برد به نوعی مفسر شهر است (بارت ، ۱۳۹۰ : ۲۰۱-۲۰۲). نشانه شناسی شهری با این فرض که عناصر شهر جدا از کارکرد خود بر معانی فراتر دلالت دارند راه خود را از کارکرد گرایی در شهر متمایز ساخته است از دید یک نشانه شناس تمامی عناصر شهری نشانه اند و در بستر ساختاری متنی فضای شهری با یکدیگر معنا سازی می کنند (نجومیان ، ۱۳۹۰ : ۱۹۸). لنینچ به عنوان یکی از نظریه پردازان نشانه شناسی شهری شاخص هایی را ارائه داده که می توان به عنوان یک الگو در این گونه مطالعات بدان استناد کرد . این شاخصه ها عبارتند از :

- مرئی بودن از نقاط بسیار ؛
- داشتن کنتراست با عوامل نزدیک ؛
- قدمت تاریخی ؛
- واجد علامت مشخص (دارا بودن علامت مشخص)؛
- مترتب بودن معنا بر نشانه (اوصاللو ، ۱۳۹۵ : ۶).

۴. نشانه های هویت شهری تهران

لینچ (۱۹۸۱) هویت شهر را محدوده ای تعریف می کند که « فرد می تواند یک مکان را به عنوان جایی متمایز از جاهای دیگر بشناسد و به خاطر بیاورد ». هویت شهر زمانی معنا پیدا می کند که شاخص های خاص شهر نمود یابند، شاخص هایی که ریشه در مکان و زمان دارند و ارتباط سنت عقاید دانش و فرهنگ آن جامعه اند. هویت شهری سه جنبه را در بر می گیرد که عبارتند از:

- تمایز/ تشابه: به این معنا که شهر فضا و عناصری دارد که از غیر متمایز و باخودی مشابه است؛

- تداوم / تحول: به این معنا که شهر با گذشت خود پیوندی بدون انقطاع دارد و در عین حال با توجه به تغییر شرایط، تغییر کرده و از پویایی برخوردار است؛

- وحدت / کثرت: در حالی که فضای شهر از اجزای متفاوت، ناهمگون و حتی متضاد تشکیل شده است این اجزا در کنار هم یک کل را تشکیل می دهند. پس شهر ها در عین کثرت، وحدت دارند و از این رو از هویت مستقلی برخوردارند.

در نتیجه هر شهر چهره و هویتی متفاوت با شهرهای دیگر دارد و فرهنگ و تمدن خاص خود را نمایش می دهد. براین اساس، مفهوم هویت از متمایز کردن و طبقه بندی برمی خیزد که خود زاده تنوع است و به همین دلیل این مفهوم همواره با سه مفهوم «متن»، «محتوا» و «تعهد و وابستگی» مورد بحث قرار می گیرد.

هر مکان یا فضا (از جمله شهر) باید دارای متن خاص و محتوای ویژه خود و القاکننده نوعی وابستگی و احساس تعلق و تعهد در بین ساکنانش باشد. این عناصر با توجه به شرایط ویژه ای که در گذر زمان تجربه میکنند، وجوه متمایز آن مکان از سایر مکانها میشوند و بنیاد هویت مکانی فضایی را شکل می دهند. این هویت برای پاسخگویی به پرسش هایی که در زمینه چیستی و کیستی یک مکان یا افراد آن مطرح میشود، استفاده میشود (عاملی، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۸). سیمای شهر به مثابه نظامی از نشانه ها قادر به پیام رسانی در زمینه های مختلف می باشد. از طرفی ساختار شهر ها برآیند تفکرات و جهان بینی ملل و تمدن هاست. برخی فضاها و عملکردهای شهری می توانند موجب خوانایی شهر و تمایز آن شده و بیان کننده هویت ملی و برانگیزاننده احساس غرور در مردم باشند. هویت کالبدی شهر تهران تحت تاثیر عوامل طبیعی، مصنوعی (خیابان ها، پارک ها، کاخ ها، بازار ها، دروازه ها و...)، و انسانی (تبار و نیاکان،

نشانه شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۴۷

حوزه های دینی و آداب و رسوم و... قرار دارد، این مولفه ها به شهر معنا می بخشند (نصر ۱۳۹۵: ۱۹۸-۱۹۶). در تحلیل ویژگی های فضای شهری تهران عصر قاجاریه یکی از مولفه های تاثیر گذار در تکوین هویت شهری این دوره تداوم سبک های معماری ادوار پیشین به ویژه سبک اصفهانی است. مصادیقی از این تاثیر گذاری احداث شبستان های ستون دار مساجد است که معماران دوره قاجار در ساختار این شبستان ها به متابعت از فناوری های معماری عصر صفویه پرداخته اند. در اکثر بناهای مذهبی دوره قاجار می توان تداوم سبک دوره صفویه را مشاهده نمود (زارعی، ۱۳۹۶: ۴۲۹).

علاوه بر بناهای مذهبی الگوی مدرسه سازی دوره قاجار نیز تداوم سنت صفویان آشکار است (زارعی: ۴۸۳). گفتنی است با وجود متابعت از سبک صفویان در ابنیه مذهبی و مدارس این دوره از آرایه ها و تزئیناتی پدید آمد که مبین تمایزات سبک قاجاران با ادوار پیشین است.

- نشانه های طبیعی:

یکی از نشانه های در مطالعات شهری، نشانه های طبیعی می باشند که شامل فضاهای سبز، رودخانه و کوه و... می گردند. به عقیده لینچ به سبب اهمیتی که انسان ها برای عناصر طبیعی قائل اند، آنها می توانند در شکل گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان و احساس تعلق مکانی نقش مهمی را ایفا نمایند (مختاباد؛ محمد یارزاده و شمس الهی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۳). حضور طبیعت باکوه، آب، درختان و منظر قدیم و جدید آن در کنار زندگی و فعالیت در تهران از جمله ویژگی هایی هستند که تهران را نه تنها در گذشته بلکه در امروز زیبا ساخته است. زیبایی هایی که با شرایط کنونی و پیاوهای امروز قابل درک نیستند (جوادی، ۱۳۹۲: ۱۵). خاطره انگیزی و ایجاد ارتباط نوستالژیک با گذشته هاییکه آسمان کمی آبی تر و جویبار ها کمی جاری تر بودند می تواند از عوامل انتقال حس زیبایی به شهروندان باشد آنچه از منظر سنتی و خاطرات تهران قدیم برجای مانده است به چتر بلند کاج های تهران، چنارهای تنومند، چشمه در جوار امامزاده می توان اشاره کرد (جوادی، ۱۳۹۲: ۱۶).

به گفته سرنا، سیاح ایتالیایی برخی نشانه های طبیعی تهران به مرور زمان از میان رفته اند برای نمونه چنارهایی که دلاواله مسافر ایتالیایی در سفر خود به تهران از آن ها یاد کرده و به دلیل وجود آنها تهران را چنارستان خوانده، سرنا در هنگام سفر خود به تهران در عصر قاجار نشانی از آنها نمی بیند (سرنا، ۱۳۶۲: ۵۸).

در میان نشانه های طبیعی البرز به دلایل متعدد در احیای هویت طبیعی، تاریخی و مصنوع تهران و خوانایی شهر نقش بسزایی داشته است. اهمیت این عنصر طبیعی تا بدان حد است که

در اولین طرح جامع تهران مصوب ۱۳۴۷ش، کوه های شمال تهران هم تراز با تپه « لیکایت آتن » و تپه « نوت مارترد » پاریس دانسته شده است. همچنین در سند طرح جامع تهران مصوب ۱۳۸۶ و ضرورت توجه به رشته کوه البرز به عنوان نشانه طبیعی و عنصری هویت بخش در ساختار فضایی تهران تأکید شده است (داریوش و دستیار، ۱۳۹۹: ۵۵).

- نشانه های نمادین:

این نوع از نشانه ها از عوامل مهم و تاثیرگذار بر ادراک سیمای شهر و تشخیص فضاهای مختلف شهری به شمار می آیند. نشانه های نمادین، بیش از سایر نشانه ها در بازنمایی هویت شهری موثرند زیرا معمولاً بیانگر تاریخ، فرهنگ و ارزش های یک جامعه هستند و میان اعضای آن نوع اشتراک ذهنی و پیوند با گذشته ایجاد می نمایند (مختاباد؛ محمدیاریزاده و شمس الهی، ۱۳۸۸: ۵۳). در میان نشانه های نمادین رشته کوه البرز به دلیل پیوند آن با اساطیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کوه ها از دیرباز مظهر برکت و رحمت برای انسان ها بوده اند. در تمدن های باستانی آیین های مذهبی غالباً بر فراز کوه ها بر پا می شده. در تصور مردم کوه نزدیک ترین مکان به آسمان، جایگاه خدایان و نشانه های رهایی از تعلقات دنیایی بوده است (داریوش و دستیار، ۱۳۹۹: ۵۳-۵۴) یاد شده است. رشته کوه البرز برای ایرانیان تداعی گر یک مکان جغرافیایی مطلوب نیست بلکه کوهی مینوی، نماد بهشت و خانه سروش است (راشد محصل؛ بهنام فر و زمانی پور، ۱۳۹۱: ۱۲۵). براساس برخی از پژوهش های انجام شده در مورد رشته کوه البرز و کوه قاف اعراب در نتیجه برخوردهای فرهنگی که با ایرانیان داشته اند از ویژگی های البرز الگوبرداری کرده و نام قاف را بر آن نهاده اند تا بر غنای باورهای اساطیری خود بیفزایند. در این زمینه واثق عباسی و علی پور (۱۳۹۷) ضمن اشاره به قدمت اسطوره ای البرز نسبت به قاف عقیده دارند که طرح اسطوره قاف در دوره اسلامی از مقوله الگو برداری از اسطوره ایرانی البرز می باشد که به حوزه فرهنگی - اسطوره ای قوم عرب راه یافته است (واثق عباسی و علی پور، ۱۳۹۷: ۱۷۶). کوه از نظر نمادین مفاهیم استواری، تغییر ناپذیری و خلوص را متبادر می سازد. علاوه بر این که کوه مرتفع به شبیه به قلعه نماد امنیت است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵: ۶۳۷-۶۴۱). قدرت البرز به عنوان یک نشانه علاوه بر مضامین اسطوره ای آن، برخوردار از شاخصه هایی چون مرئی بودن از نقاط بسیار، قدمت و مترتب بودن معنا بر نشانه است، این شاخصه ها در نظریه لینچ مطرح شده است.

یکی از عناصر نمادین تهران در عصر قاجاریه، در میدان توپخانه که بیشتر نویسندگان ایرانی و خارجی هنگام بحث از تهران قدیم آن را مورد اشاره قرار داده اند، توپ مروارید است.

نشانه‌شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره‌ا علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۴۹

این توپ مضمون داستانهای مضحک یا تأثر انگیزی بسیاری شده و به ادبیات و تاریخ نیز راه یافته است. این توپ در باور عامه‌ی مردم نماد مقدسی محسوب می‌شده و مجرمان فراری از مکان استقرار این توپ به عنوان بست نشینی استفاده می‌کردند، و دختران دم بخت و زنان نازا نیز برای برآورده شدن آرزوهایشان دست به دامن توپ مروارید می‌شدند (ملکی، ۱۳۷۰: ۵۲-۵۳). این رویکرد عوامانه قداست بخشی به توپ مروارید و برکت خواهی از آن حاکی از ناسازه دلالیت و کارکرد است. بر اساس نظرات لینچ، در هر شهری از لحظه ساخت و ساکن شدن انسان در آن توازنی بنیادین از برآیند دلالیت‌های متضاد، دگرگونی و هم نشینی عناصر نشان دار و بی نشان حاصل می‌شود؛ سرانجام ناسازه نهایی بین دلالیت و واقعیت رخ می‌نماید (بارت، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

از دیگر نشانه‌های نمادین فضای شهری تهران آن روزگار، ساعت شمس العماره است که صدای زنگ آن تا دورترین نقاط طنین انداز بود. می‌گویند در داخل ساعت دو جغد نر و ماده لانه ساخته بودند و چنین شایع بود که هر بار که ظاهر شوند سلطنت تغییر می‌کند و می‌گفتند به هنگام کشته شدن ناصرالدین شاه آنها سه روز از لانه بیرون آمده بودند. از جمله ماجراهای شنیدنی دیگر اگر موقع سقوط حکومت مستبد محمدعلیشاه به وقوع پیوست که گفته می‌شود در روزهای مبارزه مشروطه‌خواهان با محمدعلیشاه یک روز کلاغ‌ها به بیرقی که بر فراز شمس العماره قرار داشت حمله ور شده و با منقار آن را سوراخ می‌کنند (نجمی، ۱۳۷۱: ۲۷۳-۲۷۵). عملکرد اصلی این بنای مرتفع برای تماشای شهر تهران و اطراف آن از بالای ساختمان توسط شاه، مهمانان و اهل حرم بوده است. کارایی دیگر این بنا جنبه تشریفاتی آن بوده و در ایوان و سالن‌های با شکوه آن از مقامات مهم پذیرایی می‌شده است و جلوه‌ای از قدرت، ثروت و ذهنیت فرنگ مآبانه پادشاه را به نمایش می‌گذارد. همچنین در این بنای عظیم تصویری ایستاده از ناصرالدین شاه وجود دارد که یکی از نقاشان درباری آن را کشیده شده است (علیزاده بیرجندی و ناصری، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۴). میلانی در مقاله «تهران و تجدد» ضمن اشاره به تفاوت عنصر زمان در جوامع سنتی و مدرن، ساعت و تجدد را همزاد یکدیگر و شهرنشینی را همزاد دیگر تجدد می‌داند (میلانی، ۱۳۷۸: ۱۴۷).

این ساعت مظهر و نمودی از مقوله زمان به شمار می‌آید. درک انسان از زمان به طور کلی به دو گونه با اندیشه‌های دینی - اسطوره‌ای انطباق داشته است: نخست درکی خطی مبتنی بر آفرینش / فرجام که در مسیحیت و ادیان دیگر الهی و همچنین در ایدئولوژی‌های تاریخ‌گرا و انقلابی قرن نوزدهم و بیستم همچون مارکسیسم و انواع مختلف آن و لیبرالیسم و تطور گرایی

مورد تاکید در ایدئولوژی های روشنگرانه، کاملاً غالب است. در مقابل درک خطی از زمان، درک چرخه ای مشاهده می شود. این درک به چرخه های بی پایان و تکرار شونده زمان است. طولانی یا کوتاه شدن احساس زمان بستگی بسیار زیادی به روابط فردی و فرهنگی متفاوت با زمان دارد. این امری است که در چهارچوب مدرنیته و روزمرگی زندگی شهری که انسانها را در نقش های بی نهایت و متداخل و حتی متضادی قرار داده است. تاریخ دان فرانسوی لوگوف در تحلیل پدیده زمان نوعی گونه شناسی قابل تأمل از زمان عرضه می کند به باور او زمان را می توان به چندین گونه تقسیم کرد:

۱. زمان خدا شناسانه: زمانی که در اعتقاد مسیحایی به خدا تعلق دارد؛
 ۲. زمان مسیحی: یعنی زمانی خطی که با آفرینش آغاز و با هبوط انسان بر روی زمین ادامه یافته و به ظهور حضرت مسیح (ع) رسیده و سپس تا آخر زمان و نجات انسانها ادامه می یابد؛
 ۳. زمان زیست شده: یعنی زمانی طبیعی که با محیط و پیرامون رابطه دارد؛ زمان روستایی و چرخه طبیعت که در آن گذشته نامشخص و مبهم است؛
 ۴. زمان اقتصادی: یعنی زمانی که بازرگانان به وجود آوردند، زمانی که با پول پیوند خورده است. این زمان همان زمانی است که گذشته و آینده را در ارتباط با مبادلات کالایی (تولید و توزیع) آنها تعریف می کند و به آینده نگری و سوداگری نسبت به آینده می پردازد (فکوهی: ۲۵۷-۲۵۹).
- با توجه به دیدگاه ها و نگرش های مربوط به زمان می توان دریافت که ساعت شمس العماره نشانه ای از ورود مظاهر تجدد و مدرنیته به تهران عهد ناصری است این نماد زمان از آنجایی که تهران آن روزگار در آستانه گذار از قوالب سنتی به مدل قرار گرفته و هنوز بنیان های صوری و محتوایی مدرنیته در آن تحقق نیافته است لذا مفهوم زمان و درک احساس زمان بر مبنای قوالب سنتی قرار گرفته است.
- در تحلیل روزمرگی در تاریخ شهرنشینی ایران می توان پنداشت که گذاری آرام اما پیوسته به افزایش سازمان یافتگی در زمان اتفاق افتاده است که زمان را هر چه بیشتر از حوزه تنظیم یافتگی بر اساس زمان قدسی و نا قدسی خارج و آن را به زمان کار وابسته کرده است. در شهر باستانی و شهر اسلامی، عامل تنظیم کننده زمان شهری، بیش از هر چیز تقسیم این زمان به زبان قدسی و نا قدسی بود. در ایران باستان تقسیم سال به ماه ها و به روزهای مقدس با مراسم و

نشانه شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۵۱

دعاهای ویژه برای هر یک از آن‌ها و حضور گسترده جشن‌ها، عامل تنظیم زمان شهری بود. در دوران اسلامی، زمان قدسی، عمدتاً خود را از خلال دخالت‌ها و حضور اساسی مسجد و عبادت‌های روزانه و اعیاد اسلامی در زندگی شهروندان انجام می‌داد. فراخواندن مومنان به حضور در مسجد برای نمازهای روزانه، برای ادای نماز جمعه و نمازهای ویژه در (مصیبت‌ها، در اعیاد و ...) به زمان شهری معنی میداد. از دوران صفویه با تبدیل شیعه به مذهب رسمی کشور و با ورود گسترده برخی از مناسک و مراسم درون حوزه اسلامی، زمان قدسی از خلال این مناسک تأثیر خود را بر حیات شهری به شدت افزایش داد. بدین ترتیب ماه‌هایی چون رمضان و به خصوص محرم و صفر با گستره بزرگی از مراسم خود، همواره سبب شکل گرفتن فضاهایی خاص در شهر شدند و گاه حتی به تنش برای مثال بین فرقه‌های مختلف دامن می‌زدند (فکوهی: ۳۹۶-۳۹۷).

- نشانه‌های سیاسی:

در پیدایش و رشد و شکوفایی شهرها دلایل متعددی وجود دارد که یکی از آن‌ها دلایل سیاسی است.

پیشینه تاریخی تهران به تاریخ ری در دوران باستان و نخستین قرون اسلامی باز می‌گردد. تهران در آن زمان روستای کوچکی قصران ری بود (ورهرام، ۱۳۶۸: ۵۷-۵۴).

آغا محمد خان قاجار به دلایل متعددی تهران را برای پایتختی و مقر حکومت خویش برگزید. یکی از مهم‌ترین دلایل انتخاب تهران به پایتختی جدای از پیشروی روس‌ها از سمت تبریز موقعیت استراتژیک مرکزی یا قدرت تمرکز و چیرگی آسان بر جاده‌هایی بود که به ایالات عمده مملکت مربوط می‌شد و از این طریق تهران در فواصل کم و بیش متساوی نسبت به دو حاکم نشین شرقی و غربی تسلط داشت؛ در عین حال این شهر مسافت نسبتاً نزدیکی با ولایات شمالی کرانه دریای خزر قرار گرفته بود. تهران در قیاس با دیگر پایتخت‌های سابق نظیر اصفهان و شیراز از موقعیت بهتری برخوردار بود که در صورت پیش‌آمد فاجعه تهاجمی از شمال پیوسته این امکان وجود داشته است که پایتخت را آسان‌تر به آن بلاد منتقل کنند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۴۲). ازدوران ناصری به افزایش ارتباط با غرب، سفرهای اروپایی شاه و آشنایی با دستاوردهای تمدنی غرب تهران در آستانه گذار از قوالب سستی قرار می‌گیرد.

تصمیمات ناصرالدین شاه در اصلاح نظمیه و سازماندهی امنیت عمومی سبب شد تاسیس اداره پلیس و استخدام کنت دمونت فرت ایتالیایی به عنوان اولین رئیس پلیس تهران گردید.

کنت در ۱۲۶۹ ه.ق « کتابچه قانون نظمیه و امنیه ی بلدیہ » را نوشت و به تأیید شاه رساند بخشی از مقررات این قانون نامه در مورد مسائل فضای کالبدی شهری است. در برخی از بندهای این قانون نامه نظارت و دقت در نظافت شهر، وضع ساختن عمارات و نظم کوچه ها و تضمین روشنایی معابر مورد تأکید قرار گرفته است (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۱: ۲۳۴). این قانون نامه نشانه شکل گیری هویت شهری تهران طرح گفتمان حقوق شهروندی است. از دیگر رویدادهای اثرگذار در روند هویت یابی مدرن تهران.

عمارت بهارستان یک نماد سیاسی مهم و نشانه تحول سیاسی ایران به شمار می آید این بنا یادآور نماد دموکراسی و مهمترین مولفه حاکمیت ملی است. این مکان با نام مجلس و مشروطیت عجین شده و برای هر ایرانی یادآور رشادت و فداکاری های ملی است که در راه آزادی از هیچ کمک و مساعدت ای فروگذار نبوده است. محوطه باغ، عمارت بهارستان متعلق به میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه بود که در لوح یاد بود تاسیس عمارت که در موزه مجلس شورای اسلامی موجود است تاریخ احداث آن را از سال ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۸ هجری قمری قید کرده اند (طبری، ۲۰۱۵: ۴۸-۵۱).

نکته ای که اشاره به آن در این مبحث ضروری می نماید نقش مناسبات قدرت در شکل گیری فضاهای شهری است. این مناسبات با ایدئولوژی حاکمیت و به ویژه مناسبات دین و دولت ارتباط تنگاتنگ دارد. حامد الگار در تبیین سیاست های مذهبی فتحعلیشاه و روابط دین و دولت در این دوره اظهار می دارد که فتحعلی شاه از همان آغاز حکومت خود با تزیین و تعمیر حرم ها و ساختن مساجد در فضای شهری بر سر آن بود که خود را در نظر علماء به عنوان یک پادشاه دیندار تجلی دهد. در راستای این سیاست فتحعلیشاه مسجد جامع تهران را که بنای آن توسط آغا محمد خان آغاز شده بود را تکمیل نمود (الگار، ۱۳۶۹: ۸۸-۹۱).

۵. هویت یابی مدرن تهران و نشانه های آن

عصر ناصری یکی از دوران های مهم تحول شهر و شهرنشینی در ایران است. به دنبال پیدایش گفتمان های جدید در عرصه ی حیات اجتماعی، گفتمان سنتی از نظر محتوایی دگرگون شد. این تحول محتوایی ضرورت تغییر را در بعد فیزیکی جامعه فراهم می آورد (مفورد، ۱۳۸۱: ۱۴). ظهور گفتمان های نوین در عرصه های بهداشتی، اداره ی امور شهر، امنیت و حقوق اتباع، بر شکل و ساختار کالبدی شهرهای ایران به ویژه تهران عصر ناصری تاثیر گذارد. در همین راستا فرامینی از ناصرالدین شاه در روزنامه های دولتی منتشر شد که از آن میان می توان به

نشانه شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۵۳

فرمان وی خطاب به امین حضور اشاره کرد. در این فرمان بر نوسازی شهر تهران با رعایت موارد زیر تأکید شده است:

« نظافت و پاکسازی شهر، تخریب اماکن مخروبه، ساخت رختشوی خانه، [انتقال] مبال ها و قبرستان ها به خارج شهر و مراقبت در امر بنای عمارت ها خوش منظر باشند » (روزنامه ی دولتی، پنج شنبه ۳ شوال ۱۲۶۸، ش ۶۳۸: ۳).

در این دوره کاخ های سلطنتی تعمیر و کاخ های جدیدی احداث شد که تأثیر پذیری از الگوهای غربی در آن آشکار است (فرهمند، ۱۳۸۵: ۲۴۶). از دیگر اقدامات دولت ناصری احداث محله های جدید، نوسازی بازار، احداث دفاتر پست در نقاط پر رفت و آمد شهر، ایجاد حصار شهر تهران و توسعه آن است (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۰۰).

یکی از مهم ترین نشانگان تحول فضای کالبدی تهران اسناد تصویری و نقشه هایی است که توسط کارشناسان خارجی و بعضاً تحصیل کردگان دارالفنون ترسیم شد. نقشه اول را الیانیکولایویچ برزین نقشه نگار و خاورشناس روسی در سال ۱۲۶۹ ه. ق (۱۸۵۲م) کشیده است. این نقش نمودی از یک شهر سنتی ایران در دوره اسلامی است. یک حصار بزرگ در اطراف شهر قرار دارد که اهالی دارالخلافه را در برابر مهاجمان محافظت می کند و حصاری مرتفع تر پیرامون ارگ حکومتی که فرمانروایان و فرادستان را در مقابل مهاجمان داخلی و خارجی محفوظ می دارد. شهر از چهار محله به نام های عودلاجان، سنگلج، چاله میدان و بازار تشکیل شده است. این محله ها در عین اینکه هر کدام ویژگی های اجتماعی خود را دارند، و از نظر فرهنگی، قومی و اقتصادی تا حدودی از یک دیگر متفاوتند، از طریق راسته های طویل و غیر منظم نیز با یکدیگر ارتباط دارند. نقشه ی دوم را اگوست کرشیش اتریشی در سال ۱۲۷۵ ه. ق (۱۸۵۸م) تهیه کرده است. وی معلم توپخانه در دارالفنون بود. در ترسیم این نقشه دو نفر از شاگردان کرشیش یعنی ذوالفقار بیک و محمد تقی خان نیز همکاری داشتند. این نقشه که با دقت بیشتری تهیه و جزئیات کامل تری از کوچه ها و قسمت های مختلف شهر تهران را نشان می دهد. در این نقشه کلیه ی ساختمان های ارگ کشیده شده است. بارزترین تفاوت این نقشه با نقشه ی قبلی، کاهش مساحت باغ های حاشیه ی شهر است که به خاطر افزایش جمعیت به مناطق مسکونی تبدیل شده بود. ساختار اصلی شهر در این نقشه همان ساختار دوران صفوی و مشخصات مکتب اصفهان را نشان می دهد. نقشه سوم که دقیق ترین نقشه ی عصر ناصری است، و جزئیات بیشتری از بافت قدیم و جدید را به نمایش می گذارد، توسط عبدالغفار خان نجم الملک، معلم علوم ریاضی در مدرسه دارالفنون و شاگردانش تهیه

شده است این نقشه یک سال پس از آغاز توسعه ی شهر تهران یعنی سال ۱۲۸۵ ه.ق شروع شد و سال ۱۳۰۹ ه.ق پایان یافت. در این نقشه دارالخلافه ی تهران در محدوده حصار جدید ناصری قرار دارد. نکته ی شایان توجه در این نقشه تفاوت های بافت قدیم و بافت جدید تهران است (قبادیان، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۴).

در دوره ناصری ما با زبان، سبک و ارزش های فضایی جدیدی در شهر سازی و معماری مواجه می شویم که صاحب نظران معماری از آن به سبک تهران یاد می کنند؛ سبکی که در آن عناصر سنتی در کنار عناصر اروپایی قرار دارد و سنت و تجدد به هم آمیخته اند اما در این آمیزش تفوق از آن سنت است (حییبی، ۱۳۷۸: ۱۴۵). در این سبک شاخص های ارتباطی نوین چون تلگراف خانه، پست خانه و نماد های تجاری جدید مانند بانک در میان عناصر اصلی میدان شهر جای خود را باز می کنند (علیزاده بیرجندی: ۱۷۱). یکی مظاهر نو سازی تهران در آن دوره مربوط به ماشین دودی یا همان قطار شهری است. ناصر الدین شاه در طی سفرهای خود به اروپا از ترن های شهری یاد کرده و هنگام مشاهده راه آهن فرانسه از محاسن این وسیله برای تهران سخن گفته است. این سفر ها بدون تردید نقش مهمی در ورود قطار شهری به تهران داشته است. در بدو ورود این وسیله بر اساس روایت های تاریخی احساسی از بی اعتمادی و باور های منفی در میان مردم نسبت به ماشین دودی وجود داشت، از این رو دولت با ترفندهای متعدد تلاش می کرد که مردم را به استفاده از این وسیله نقلیه جدید وادار سازد. ناصر الدین شاه برای از بین بردن ترس و وحشت عمومی دستور داد تا عده ای از مشهور ترین افراد، سرداران و سپهسالاران در حالی که مسلح بودند در معیت وی با ماشین دودی به حضرت عبدالعظیم بروند تا ترس مردم از بین برود (نجمی، ۱۳۶۲: ۴۱۶).

پیدایش نهادهای آموزشی، تجاری و ارتباطی نو، دگرگونی مفاهیم و کارکرد های عناصر کالبدی شهر (چون خیابان و میدان)، به تقابل مفاهیم سنتی و مدرن یا فرنگی و بومی انجامید که تأثیرات خود را با پیدایش سبک های تلفیقی و نئوکلاسیک (غربی) در عرصه معماری شهری دوره ناصری آشکار ساخت. نخبگان حاکم که بارها به فرنگ رفته و از نزدیک عناصر معماری آن جا را مشاهده کرده بودند، در ساخت کاخ ها و عمارت های خود از الگوی غربی اقتباس کردند. از این رو معماری فرنگی، معماری خواص شد. نهادهای اجتماعی فرهنگی و موسسات جدید سیاسی سبکی تلفیقی را به کار گرفتند. مجموعه های کهن شهری از جمله بازار بازارچه کاروانسراها مساجد که محل تردد اکثریت جامعه بود سبک سنتی خویش را حفظ کردند زیرا هنوز شیوه های زیست و تولید سنتی بر جامعه سیطره داشت (همان: ۱۷۵).

۶. نشانگان هویت آیینی تهران

مولایی (۱۳۹۹) فضاهای مذهبی را به سبب مرکزیت داشتن در بافت زمینه ای خود و تسلط آن از نظر مقیاس و فرم بر بافت پیرامونی شان، عنصری هویت بخش می داند (مولایی، ۱۳۹۹: ۱۵). ادراک مکان به عنوان یک نشانه به قول الیوت گینز (Gaines)، فرایندی توصیفی است که به اهمیت مناسبات نشانه ای بین ابژه ها و زمینه های مکانی آن می پردازد (رئیزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳). آنچه بر قدرت فضا به عنوان یک نشانه می افزاید، تجربه حس معنوی و رویدادهای آیینی است که در القای اینگونه احساسات موثرند. هم نشینی این نشانه ها در کنار هم هویت آیینی یک فضای کالبدی را رقم می زنند.

تکیه دولت از جمله بناهای عهد ناصری است که سالیانی دراز باشکوه ترین مراسم عزاداری و شبیه گردانی در آنجا صورت می گرفت. ساخت تکیه دولت که برخی آن را بزرگترین نمایش خانه در تئاتر خوانده اند پس از سفر ناصرالدین شاه به فرهنگ و با الهام از سالن رویال البرت هال لندن ساخته شد (علیزاده بیرجندی و ناصری، ۱۳۹۵: ۷۳). توصیفات سیاحان خارجی از تکیه دولت جایگاه هویتی این فضا را به خوبی تبیین می کند (بنجامین، ۱۳۹۱: ۳۵۵). تکیه دولت علاوه بر تعزیه و مراسم دینی گاه و بیگاه برای اجتماع امنای دولت و رسیدگی به امور بود از جمله این کارها حسابرسی مسکوکات ضرابخانه بود (نجمی، ۱۳۷۱: ۳۱۳-۳۰۷). از دیگر رویدادهای مهمی که در تکیه دولت اتفاق افتاد، تشکیل نخستین مجلس موسسان و عزل احمد شاه از سلطنت بود (همان: ۳۲۵). کارکردهای غیرآیینی تکیه دولت یادآور این تذکار بارت است که نباید در دام ثابت و منجمد مدلول های واحد کشف شده گرفتارشویم، زیرا به لحاظ تاریخی این مدلول ها همیشه بسیار مبهم و گریزانند (بارت: ۲۰۱). یکی از نشانگان هویت آیینی تهران، سقاخانه های این شهر است که به عنوان یادمان شهدای دشت کربلا، با این رویداد آیینی پیوند دارد. در تهران در آن روزگار چندین سقاخانه معروف قرار داشت که از آن جمله بود: سقاخانه نوروزخان، سقاخانه شیخ هادی نجم آبادی، سقاخانه آیین، سقاخانه نوروز خان معروف ترین و مفصل ترین سقاخانه های تهران قدیم بود، ولی سقاخانه شیخ هادی معروفیتش به علت کشته شدن مازورایمبری کنسولیارت آمریکا بود که هنگام عکس برداری از چگونگی استفاده مردم از سقاخانه و طریق روشن کردن شمع به تحریک جمعی از ماجراجویان مرموز که در ورای آن سیاست خاصی پنهان بود مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به قتل رسید (نجمی، ۱۳۷۱: ۳۸۹-۳۹۱). بر این اساس ادراک این مکان مارا با تقابل کارکرد مذهبی و سیاسی و ناسازه دلالت و کارکرد مواجه می سازد.

هویت جنسیتی و نشانه های آن

جنسیت، مفهومی اجتماعی - فرهنگی است که در خلال زمان و مکان دستخوش تغییر است. فضا و جنسیت تاثیرات متقابل بر یکدیگر دارند. یک سو این ارتباط در بازتاب های فضایی جنسیت و سوی دیگر آن در نقش فعال فضا در تولید و بازتولید اجتماعی بیان می شود. در تعامل دو مقوله جنسیت و فضا به جنسیت دار بودن فضا از جنبه چگونگی استفاده اشاره می شود و مطالعه متون تاریخی سه گونه فضای اجتماعی شامل عرصه های زنانه، مردانه و عرصه های مشترک را مشخص می سازد (ورمقانی، سلطان زاده و دهباشی شریف، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۱).

در جامعه قاجار باورهای اعتقادی و و سنن منجر به تمایلات اجتماعی افراد برای حفظ حریم های خصوصی و اهمیت خانواده به عنوان نهادهای هویت ساز شده و هویت فضایی را در معماری و شهر سازی شکل داده است تفاوت در هویت جنسیتی که در اواخر دوره قاجار اتفاق افتاده، هویت فضای کالبدی معماری و شهر را تغییر داده است در حالی که در اواخر این دوره با ورود مدرنیته، هویت زنان پیشین زیر سوال رفت. به طوری که در خاطرات تاج السلطنه و فرمانفرمایان جدایی اندرونی از عرصه بیرونی که در ارتباط با دنیای خارج است به عنوان نوعی معماری مرد محور مورد اعتراض واقع شده است (همان: ۳۳).

اگر چه فضا به خودی خود جنسیت ندارد، اما مکان ها و فضاها می تواند حامل نشانه ها و جایگاه های متفاوتی برای زنان و مردان باشند. فضاهای جنسیتی در خلاء به وجود نمی آیند بلکه فضاهای جنسیتی به واسطه جریان مسلط نهادهای اجتماعی و فرهنگی تقویت می شود. مهمترین و اساسی ترین ویژگی فضایی جنسیتی ظهور حوزه های مجزا و ایجاد یک سیستم تقابلی و سلسله مراتبی است که قلمرو عمومی را از قلمرو خصوصی جدا می کند (محمدی، ۱۳۹۷: ۳۵-۳۶). فضای جنسیتی فضایی سلسله مراتبی است و واجد دو گانه های فضایی است. بدین ترتیب نفوذ این ایدئولوژی تاریخی در برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری فضای جنسیتی و مردانه را شکل می دهد.

- دو گانه زنانه - مردانه: با توجه به ماهیت فضای جنسیتی و تعریفی که از جنسیت و فضای شهری ارائه شد این فضا عرصه ای مطلوب برای حضور بیشتر مردان است و در در این میان زنان در حاشیه قرار دارند. به عبارتی فضای جنسیتی در شهرها از حیث مطلوبیت حضور برای زنان و مردان نیز نشان دار است.

نشانه‌شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره‌ا علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۵۷

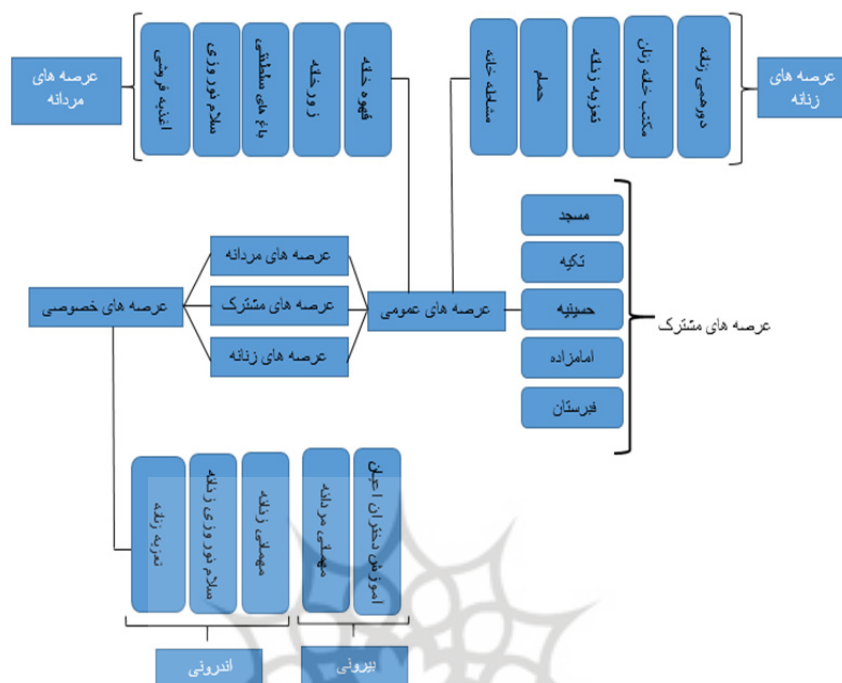
- دوگانه درون - بیرون: یکی دیگر از انواع نشاننداری قابل طرح در رویکردهای مطرح در رابطه با حضور زنان درون بیرون است. به عبارتی فضاهای بیرونی متناسب برای مردان است و بنابراین در مقابل فضای امن درونی قرار دارد که در آنها زنان بیشتر حضور دارند.

- دوگانه خصوصی - عمومی یا دوگانه خانه - شهر: حامیان نظریه طرد زنان در فضاهای شهری معتقد هستند که زنان متعلق به فضای خانه و عرصه خصوصی هستند و مردان متعلق به فضای عمومی و شهر. فارغ از دوگانه‌هایی که ماهیت فضاهای جنسیتی را نشان می‌دهد، می‌توان تقابل‌های دوگانه دیگری را نیز تبیین نمود (محمدی: ۳۹-۴۰).

با علم به این موضوع که بازنمایی هویت جنسیتی زنان به واسطه ایدئولوژی یا نمایش عملکرد فضا، می‌تواند به سمت و سوی پیش رود که هویت زن را به مثابه زن سستی یا مدرن معرفی نمایند (محمدی: ۴۹).

هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی در جامعه، فضای درونی خانه را متعلق به زنان و فضای عمومی خارج از خانه را متعلق به مردان می‌دانست. به صورتی که محدوده امن زنان فضای خانه و فضای نیمه خصوصی چند خانه بن بست‌ها و هشتی‌کوچه‌های فرعی بود. هویت زن در فضای خصوصی تعریف می‌شد برخلاف تجربه مردانه که خواهان تصرف بیشتر از امکانات و فضای عمومی شهر بود (ورمقانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴).

آنچه در موضوع رابطه جنسیت فضا در جامعه‌ای سستی مورد توجه قرار گرفته تأثیرپذیری جنسیت از فرهنگ معیشتی است. شیوه‌های معیشت، نقش‌های جنسیتی را رقم می‌زند و نحوه نگرش به جنسیت را شکل می‌دهد زمانی که زنان بخشی از تأمین معاش را برعهده داشتند، حضور آنان در عرصه‌های عمومی بیشتر از زمانی است که نقش معیشتی برعهده مردان بود. دو متغیر نوع جامعه (شهری، روستایی، ایلاتی) و طبقه اجتماعی در این زمینه موثرند. وظایف زن در خانواده شهری به عرصه خانه محدود می‌شد در حالی که زن روستایی و عشایری به تناسب وظایف خود زمان بیشتری در عرصه عمومی بوده است. در جامعه‌ای ایلی، زنان از بهترین موقعیت و بالاترین درجه آزادی برخوردار بودند. از این رو میان نقش اقتصادی در خانواده و تعریف جنسیت رابطه مثبت وجود داشته و این بر نحوه تصرف عرصه‌ها تأثیرگذار است (همان: ۳۵). نمودار^۱ ذیل مبین تأثیر انگاره‌های جنسیتی در فضاهای شهری تهران عهد قاجاریه است:



نمودار شماره ۱. فضاهای جنسیتی در عصر قاجار

۷. بحث

در پژوهش حاضر مفروضات رویکرد نشانه‌شناسی شهری در مورد ویژگی گفتمانی شهر، قابلیت تفسیر پذیری فضاهای شهری و معانی نهفته در عناصر شهری از طریق کار بست مبانی نظری به ویژه شاخص‌های لینچی به اثبات رسید. جستار حاضر همچنین مبین جایگاه نشانه‌ها در بازنمایی وجوه اساسی هویت شهری و پیوند عناصر کالبدی تهران عصر قاجاریه با سنت و فرهنگ ایرانی است. این پژوهش همچنین نشان داد که در روند ساختیابی هویت شهری تهران عصر قاجاریه افزون بر فضاهای شهری شهروندان نیز در معنا بخشی به این مکانها نقشی اساسی ایفا نموده‌اند. به عبارت دیگر همانگونه که فضا مولفه مهم در تکوین هویت افراد است افراد نیز با کنش‌های شان و نحوه ارتباط با محیط در معنا بخشی به فضا نقشی اساسی ایفا می‌کنند. در این راستا افزون بر کنش‌های شهروندان عادی، کنش‌های نخبگان حاکم و مناسبات قدرت نیز که بر شالوده‌های اقتدار گرایی استوار است در فرایند معنا بخشی به فضاهای شهری

نشانه شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۵۹

دخاله دارد. این مطلب در تقابل با آرای کسانیه که نظریه لینچ را در تبیین عناصر غیر فیزیکی شهر ناکارآمد می‌دانند.

جدول شماره ۱: نشانه های هویت شهری تهران عصر قاجار

نوع نشانه	مصادیق	کارکرد
نشانه های طبیعی	البرز	برانگیختن احساس تعلق مکانی در شهروندان
نشانه های نمادین	البرز	پیوند با اساطیر آن را به نشانه ای نمادین مبدل نموده است / ناسازه کارکرد و دلالت
	میدان توپخانه	قداست بخشی و برکت خواهی از منظر باورهای عامه
	شمس العماره	نشانگر زمان، مرئی بودن از نقاط بسیار دور، تصویرگر اقتدار شاه.
نشانه های سیاسی	عمارت بهارستان	نمود دموکراسی و حاکمیت ملی
	تاسیس اداره پلیس تهران	نمود نظارت و کنترل فضای شهری شهروندان
نشانه های آیینی	تکیه دولت	تعزیه و مراسم دینی، کارکرد نمایشی، کارکردهای غیر آیینی: اجتماع امنای دولت
	سقاخانه	نذر و شفا بخشی، کارکرد سیاسی: قتل ایمری
نشانه های مدرن	ماشین دودی	کارکرد حمل و نقل و ارتباطات شهری
	ظهور پدیده خیابان	فضایی برای تردد وسایل نقلیه مدرن
	پستخانه و تلگراف	ارتباطی
	بانک	اقتصادی
نشانه های جنسیتی	اندرونی و بیرونی در فضاهای مسکونی، در کوب خانه ها، مکتبخانه های زنانه / قهوه خانه و زورخانه فضای مردانه	تمایز بخشی و تفکیک جنسیتی

ماخذ: نویسندگان

۸. نتیجه گیری

هویت شهری تهران عصر قاجاریه تحت تاثیر عوامل طبیعی، مصنوعی (سازه های شهری)، انسانی (باورهای آیینی، آداب و رسوم...) و سنت های معماری پیشین به ویژه عصر صفوی

شکل گرفته است. علاوه بر این عوامل ایدئولوژی حاکمیت، مناسبات قدرت و روابط دین و دولت نیز از جمله عواملی است که از تاثیر آن بر تبیین هویت شهری این دوره نباید غفلت نمود. پیوند های دین و دولت در دوره فتحعلی شاه سبب توسعه، تکمیل، تعمیر و بهسازی اماکن مذهبی نظیر مساجد، زیارتگاه ها در تهران گردید. در حالی که در عصر ناصری تحت تاثیر مناسبات قدرت و گرایش نخبگان حاکم بناهای در فضاهای شهری ابنیه حکومتی، نظامی، مدارس و کاخ ها تغییرات عمده ای پدید آمد. در این دوره سفرهای شاه به فرنگ و دستاوردهای حاصل از آن تاثیر مهمی در بهسازی فضاهای شهری، ایجاد خیابان های تازه و عریض و سایر مظاهر مدنیت شهری بر جای گذارد. تغییراتی که پس از هریک از سفرهای ناصر الدین شاه در تهران پدید آمد در روند هویت یابی مدرن این شهر نقش بسزایی داشت. این نکته نه تنها در پژوهش های جدید بلکه در اقوال سیاحان اروپایی که در آن زمان از تهران بازدید کردند بازتاب پیدا نموده است.

در روند هویت یابی شهر تهران نشانه های نمادین بیش از سایر نشانه ها در بازنمایی هویت شهری تاثیر گذارند؛ زیرا این نشانه ها بیانگر تاریخ و فرهنگ جامعه هستند. خاستگاه اساطیری برخی از این نشانه ها نظیر رشته کوه البرز بر قدرت این نشانه در بازنمایی هویت شهری تهران افزوده است. از دیگر نشانه های شاخص در بازنمایی هویت تهران عهدقاجار نشانه های آیینی است. قدرت تبیین گری این نشانه ها به واسطه ریشه دار بودن باورهای دینی و بافت مذهبی تهران آن روزگار است. مواجهه با ناسازه کارکرد و دلالت در برخی فضای آیینی نظیر تکیه دولت و کاربری های غیر آیینی آن، از تاثیر قدرت گفتمان سیاسی در این فضا ها حکایت دارد. افزون بر آنچه گفته شد دسته دیگر از نشانه ها نظیر عمارت بهارستان (مجلس)، قانون کنت، ساعت شمس العماره، ایجاد موسسات تمدنی جدید، افزایش عرصه های زنانه از روند هویت یابی مدرن تهران حکایت دارد.

پی نوشت

۱. ورمقانی؛ سلطان زاده و دهباشی شریف، ۱۳۹۴: ۳۲ (این نمودار تغییراتی از جهت افزودن عرصه های زنانه اعمال شده است).

نشانه شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۶۱

کتابنامه

- الگار، حامد (۱۳۶۹). *دین و دولت در ایران، نقش عالمان در دوره قاجار*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس
- امینی، فریبا؛ مطلبی، قاسم؛ دباغچی، سمانه (۱۳۹۹). «بازشناسی معماری معاصر ایران بر مبنای ابعاد زیبایی شناسی بنهای تاریخی قاجاریه (نمونه موردی: تزئینات کاخ های سلطنتی اواخر قاجار در پایتخت)». *نشریه پژوهشنامه تاریخ*. ش ۵۹. تابستان: ۱۰۷-۱۳۴.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳). *سفرنامه ی اورسل*، ترجمه ی علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- اوصانلو، علی (۱۳۹۰). «مناره در شهرهای اسلامی و نقش آن در نشانه شناسی شهری». *نشریه مطالعات جغرافیه، عمران و مدیریت شهری*. دوره ۲. ش ۲. تابستان. ۸۱.
- بارت، رولان (۱۳۹۰). «نشانه شناسی و فضای شهری». *ت: عظیمه ستاری. ماهنامه سوره*. ش ۵۰-۵۱. ص ۱۹۹-۲۰۳.
- بنجامین، اس، جی دبلیو (۱۳۹۱). *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*. ترجمه محمد حسین کرد بچه تهران: اطلاعات.
- بیگی، حسین علی (۱۳۹۲). «بررسی مولفه های مهم توسعه شهر تهران در عصر قاجار (نمونه موردی: بلدیة تهران)». *تاریخ نو*، ش ۵. بهار و تابستان.
- جوادى، شهره (۱۳۹۲). «تهران زیباست. زیبایی شناسی منظر شهری تهران» *نشریه منظر*، دوره ۵. ش ۲۲. ۱۷-۱۴.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۸). *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر*. تهران: دانشگاه تهران.
- داریوش، بابک؛ دستیار، فاطمه (۱۳۹۹). «رابطه نامطلوب البرز و تهران پدیدار شناسی معنای ذهنی کوه های البرز از نگاه ساکنین شهر تهران». *فصلنامه هنر و تمدن شرق*. س ۸. ش ۲۸. تابستان. ۶۲-۵۳.
- راشد محصل، محمد رضا؛ بهنام فر، محمد؛ زمانی پور، مریم (۱۳۹۱). «تجلی کوه در ایران باستان و نگاهی به جلوه های آن در ادب فارسی». *مطالعات ایرانی*. س ۱۱. ش ۲۱. بهار. ۱۱۹-۱۴۶.
- رئیسى، پویا؛ نقاش زاده، مسعود؛ شهبازی، رامتین (۱۳۹۹). «واکاوی فرایند نشانگی ابژه در توسعه درام مجموعه های تلویزیونی (مورد کاوی: مجموعه خانه سبز و تئوری بیگ بنگ)». *فصلنامه رسانه های دیداری و شنیداری، سال چهاردهم، شماره ۱*، بهار. صفحات ۷-۳۱.
- ریاضی، ابوالحسن (۱۳۸۹). «تأثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر تهران در اواخر دوره قاجار». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*. دوره ۳. ش ۳. پاییز. ۱۲۹-۱۴۸.
- زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۹۶). *معماری ایران از عصر صفوی تا عصر حاضر*. تهران: سمت.

- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). آدم‌ها و آیین‌ها در ایران: سفرنامه مادام کارلا سرنا. ت: علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- شوالیه، ژان؛ گربان، آلن (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها. ترجمه و تحقیق سودابه فضایی. تهران: انتشارات جیحون.
- صارمی، حمید رضا؛ رشنو، کیانوش (۱۳۹۵). «نشانه‌های شهری نماد فرهنگی و هویت جمعی با تاکید بر تعاریف لینچ». سومین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه ریزی پایدار ایران. تهران.
- ططری، علی (۲۰۱۵). نظام اداری - مالی و نهادهای شدن نخستین مجلس شورای ملی. توکیو. توپوونگو.
- عاملی، سعید رضا (۱۳۹۶). نمادهای هویتی شهر: پاریس، مادرید، استانبول و کیوتو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۱). حکومت ناصری و گفتمان‌های نو. تهران: هیرمند.
- علیزاده بیرجندی، زهرا؛ ناصری، اکرم (۱۳۹۵). «پیوند‌های هنر و سیاست در عصر قاجار و پیامدهای آن». باغ نظر. س ۱۳. ش ۴۲. آذر. ۷۸-۶۷.
- فروغمند اعرابی، هوشنگ (۱۳۹۵). «خاستگاه فلسفی روش‌شناسی در دانش نشانه‌شناسی معماری و طراحی شهری». نشریه مدیریت شهری و روستایی. ش ۴۳. تابستان. ۱۹۹-۲۲۴.
- فرهمند، جلال (۱۳۸۵). «قصور قاجار». فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران. ش ۳۷. بهار.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۸). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی، چ ۱۲.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۳). معماری در دارالخلافه ناصری (سنت و تجدد در معماری معاصر). تهران: یشتون.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). ایران و قضیه ایران. ج ۱. ت: غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدی، مریم (۱۳۹۷). بازشناسی تقابل‌های دوگانه‌ی فضای شهری جنسیتی، مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناسی - تحلیلی بر فضای عمومی در محلات سنتی. نشریه معماری و شهرسازی ایران. ش ۱۶. پاییز و زمستان. ۵۱-۳۳.
- مختاباد، سید مصطفی؛ محمد یارزاده، سجاد؛ شمس‌الهی، بهنوش (۱۳۸۸). «جستاری بر اسنان‌شناسی - نشانه‌شناسی شهری و نقش‌آن در خوانایی فضاهای شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)». نشریه مطالعه توسعه اجتماعی ایران. س ۱. ش ۴. پاییز. ۶۹-۳۱.
- ملکی، حسین (۱۳۷۰). تهران در گذرگاه تاریخ. تهران: اشاره.
- مفقورد، لوئیز (۱۳۸۱). مدنیت و جامعه‌ی مدنی در بستر تاریخ. ترجمه احمد عظیمی بلوریان، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

نشانه شناسی شهری و نقش آن در تبیین هویت شهری... (زهره علیزاده و محدثه ضیاء) ۱۶۳

مولایی، اصغر (۱۳۹۹). «تبیین جایگاه رویدادهای آیینی ایرانی - اسلامی در هویت فضاهای شهری». *گفتن طراح شهری*، دوره اول، شماره ۴. زمستان. صفحات ۱۲ - ۳۲.

مهدی زاده طالشی، سید محمد؛ صدیقیان بیدگلی، آمنه؛ اصلان زاده، فاطمه (۱۳۹۸). «نمادهای سیاسی شهر تهران و هویت شهری». *فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران*، سال دوم، شماره چهارم، زمستان. صفحات: ۱۱۲ - ۱۴۲.

میر غلامی، مرتضی؛ شهنقی، امیر واعظ؛ رباطی، محمد بشیر (۱۳۹۲). «نشانه شناسی شهری و نقش آن در خوانایی و شناسایی محیط مطالعه موردی: محله نازی آباد تهران». *نقش جهان*. س ۳. ش ۱. بهار و تابستان. ۴۲-۳۱.

میلانی، عباس (۱۳۷۸). «تهران و تجدد» در: *تجدد و تجدد ستیزی در ایران*. تهران: نشر اختران.

نجمی، ناصر (۱۳۷۱). *تهران قدیم*. ج ۲. تهران: جاززاده، چ ۳.

نجمی، ناصر (۱۳۶۲). *ایران قدیم و تهران قدیم*. تهران: جاززاده.

نجومیان، امیرعلی (۱۳۹۰). «پیش گفتاری بر نشانه شناسی شهری». *نشریه سوره اندیشه*، ش ۵۰ و ۵۱، بهار، ۱۹۷-۱۹۸.

نصر، طاهره (۱۳۹۵). «جایگاه «نشانه شناسی ایرانی» در گردشگری در راستای آینده پژوهی برنامه ریزی شهری و توسعه پایدار». *فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای*. س ۶. ش ۲۴. ۱۸۹-۲۰۰.

واثق عباسی، عبدالله؛ علی پور، اسماعیل (۱۳۹۷). «از البرز تا قاف: بررسی تطبیقی دو رشته کوه اسطوره ای». *نشریه کهن نامه ادب فارسی*. س ۹. ش ۲. پاییز و زمستان. ۸۰-۵۹.

ورمقانی، حسنا؛ سلطان زاده، حسین؛ دهباشی شریف، مزین (۱۳۹۴). «رابطه جنسیت و فضا در عرصه های خصوصی و عمومی دوره قاجار». *نشریه باغ نظر*. ش ۳۷. بهمن و اسفند. ۴۰-۲۹.

ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۸). «تهران در پویه تاریخ». *تحقیقات جغرافیایی*. ش ۱۵. زمستان. ۷۱-۵۱.

یوسفی، علی؛ صادقی نژاد، مهسا (۱۳۹۶). «مرور انتقادی نظریه ی سیمای شهر لنین: نشانه شناسی نقشه های ادارکی شهروندان و بازشناسی هویت کالبدی شهر». *مطالعات جامعه شناسی شهری*. س ۷. ش ۲۲. بهار: ۷۲-۴۷.